

جایی برای جاماندگان از آموختن

ترغیب می شود که مؤسسه ای برای یاد دادن راه بیندازد، مؤسسه ای در حاشیه شهر که برای بچه های بازمانده از تحصیل است. «مدرسه خودگردانی که می رفتیم در منطقه گلشهر، ساختمان و التیمور بود، متوجه شدم که تعدادی از بچه ها از مسیر جاده سیمان آنجا می آیند. آن ها مسیر دوری که آن زمان هنوز خاکی بود فقط یک اتوبوس هم داشت هر روز به زحمت می آمدند. بعد که بررسی کردم دیدم بچه های زیادی از این منطقه می آیند تصمیم گرفتم مؤسسه را در منطقه جاده سیمان راه بیندازم تا بچه های بیشتری که از تحصیل جامانده اند باسواد شوند. این شد که سال ۱۳۹۳ مدرسه هدایت را راه انداختیم و بچه های زیادی توانستند اینجا تحصیل کنند و بعد از اینکه مدارک آن ها درست شد در مدارس دولتی آزمون تعیین سطح و ادامه تحصیل دهند، بچه های زیادی در این منطقه هستند که نتوانسته اند مدارس دولتی بروند. همان سال اول ۱۲۰ نفر از بچه های ایرانی و اتباعی که به هردلیل از تحصیل جامانده بودند وارد مؤسسه شدند و درس خواندند. به نظرم بچه ها در اتفاقات و مهاجرت ها هیچ نقشی ندارند و تقصیری متوجه آن ها نیست. بعد از پناهندگی سزاوار نیست که از تحصیل جا بمانند و به خاطر این جاماندگی و بی سوادی مجبور شوند در آینده به هر کاری تن دهند.»

آموزش حتی برای یک نفر

از آنجایی که آموزش، دغدغه او برای راه اندازی مؤسسه بوده است برای پذیرش بچه های بازمانده از تحصیل از محدودیتی نمی گذرد و اجازه می دهد تا همه جاماندگان از تحصیل در هر سنی و در هر پایه ای در مرکز او بیاموزند. «ما در این مؤسسه تمام بچه های جامانده از تحصیل را در هر مقطع تحصیلی که باشند پذیرش می کنیم تا زمانی که مدارک آن ها درست شده و وارد مدرسه شوند. از ابتدایی تا هر مقطعی از تحصیل که باشد به آن ها آموزش می دهیم. حتی اگر برای یک مقطع یک نفر باشد. در نهایت یک کارنامه که به عنوان مدرک هیچ جا قابل پذیرش نیست به بچه ها می دهیم. این کارنامه ارزش قانونی ندارد فقط آموزشی که می بیند کمک می کند که اگر شرایطی پیش آمد و به مدرسه دولتی رفتند تعیین سطح بدهند و در کلاسی مناسب بنشینند. بچه هایی که برای تحصیل سراغ ما می آیند فقط اتباع افغانستانی نیستند، شاگردان پاکستانی و ایرانی هم داریم. دودانش آموز ایرانی داشتیم که به مدت شش سال نتوانسته بودند در مدارس دولتی ثبت نام کنند بعد از شش سال مشکل آن ها حل شد و توانستند در مدارس دولتی ادامه تحصیل دهند. اگر این مرکز آموزشی نبود مجبور بودند تا سن نوجوانی بی سواد باشند و از هم سن و سال های خود جا بمانند. ولی با آموزش هایی که دیدند نتوانسته بودند خود را به هم سن و سال هایشان برسانند. این وضعیت برای خیلی از بچه ها پیش آمده و نتوانسته اند ادامه تحصیل دهند. خیلی ها به مدارس دولتی و دانشگاه رفته اند. همین تازگی هایک شاگرد پسر داشتیم که دانشگاه رفت و رشته فیز یوتراپی هم قبول شد. اما در این میان بعضی از بچه ها هم هستند که به دلیل مشکل مدارک و وضعیت مالی نتوانسته اند ادامه دهند و ترک تحصیل کرده اند. خیلی ها توانایی مالی تأمین هزینه ها را ندارند.»

همراهی های جهادی

به دلیل شرایط اقتصادی مردم منطقه تمام نیروهایی که در این مؤسسه آموزشی فعالیت می کنند، همکاری جهادی دارند و اغلب آن ها هم اتباعی هستند که خود در دوره ای از تحصیل به مشکل برخوردند و در مدارس خودگردان برای مدتی ادامه تحصیل داده اند. «همکاری تمام نیروها جهادی است و دروس تمام پایه های تحصیلی با همراهی همکاران که بیشتر از اتباع افغانستانی هستند انجام می شود. موضوع آموزش بچه ها آن قدر برای ما مهم است که در هر پایه ای که باشند آن ها را پذیرش می کنیم و حتی برای یک نفر هم کلاس تشکیل می دهیم. سعی کرده ایم اوضاعی را فراهم کنیم تا آن ها کمتر احساس دوری یا جاماندن از تحصیل داشته باشند. آمدن هر کدام از همکارانم به مدرسه قصه ای دارد و هر کدام به طریقی قسمتشان شده که در مدرسه هدایت باشند.»

مهارت در کنار آموزش

اما کنار آموزش در این مؤسسه، آموزش های فرهنگی نیز به بچه ها داده می شود تا به توانایی هایی دست یابند و خلاقیت آن ها ظهور کند. توانایی که گره گشای مشکلات آینده آن ها باشد. «در کنار آموزش کتاب ها و درس های مدرسه، مهارت های مختلف به بچه ها آموزش داده می شود. مهارت های زندگی، بازاری، ارتباط مؤثر، مقاله نویسی، پژوهش محوری و دیگر مهارت هایی که مورد نیاز آن ها است در

ساعت های آموزشی با بچه ها کار می کنیم. یکی از کارهای دیگری که انجام می دهیم ساعت کتاب خوانی است. بچه ها از کتابخانه مدرسه، کتاب به امانت می گیرند و آن را می خوانند و دور هم جمع می شوند و درباره آن کتاب توضیح می دهند و بحث و تبادل نظر می کنند. حتی بعضی وقت ها کتاب ها را نقد هم می کنند. تا پیش از اوج گیری کرونا، کلاس زبان انگلیسی و کامپیوتر جزو کلاس های اصلی مؤسسه بود که در کنار مباحث درسی، بچه ها آن ها را فرا می گرفتند. این آموزش ها در حدی بود که تا سن مقطع متوسطه بچه ها کاملاً بافتوشاپ و تدوین آشنایی شدند و تسلط کامل برای این کارها داشتند. هدف این بود با این آموزش ها بچه ها بعد از تحصیل یا حین تحصیل که به درآمد نیاز دارند سراغ کاری بروند که پیشرفتی در آن داشته باشند و رشدی برای آن ها داشته باشند این که سراغ کاری بروند که هیچ آینده ای ندارد. یک بار یکی از بچه ها را دیدم که در اتوبوس نشسته بود و من کارت زدن را کنترل می کرد و روزانه مبلغی از راننده می گرفت. برایم درد آور بود که در سنی که بچه می تواند مهارت یاد بگیرد، پای دستگاه بنشیند و نگاهش به دست مردم باشد که کارت بزنند.

تلاش ما این است که استعدادها و توانایی های بچه ها شکوفا شده و در راستای رشد آن حرکت کنند. یکی از کلاس های ویژه ما کلاس افغانستان شناسی است. ما تا سال های سال هویت خود را پنهان می کردیم و اغلب مهاجران نمی خواستند کسی از هویت آن ها آگاه شود به این خاطر که بخش های سیاهی از افغانستان به ما نشان داده شده بود و به همین دلیل هیچ وقت قصد برگشت به کشور خود را نداشتیم و به کشور پدری خود هیچ علاقه ای نداشتیم. خود من همیشه فکر می کردم افغانستان کشوری به دور از تمدن و بازمانده از پیشرفت است. اما شش سال پیش سفری به کابل داشتم و متوجه شدم که این گونه نیست. کم کم با کشورم آشنا شدم و تصمیم گرفتم کلاس افغانستان شناسی را هم در مؤسسه بگذارم تا دیگر از هویت خود فرار نکنیم. ما تا زمانی که از هویت خود فرار کنیم نمی توانیم به موفقیت برسیم. بچه ها هم به این کلاس ها و کنش خیلی خوبی داشتند.»

جوانه زدن در بازار

اینجا در کنار کلاس های مهارت زندگی و زبان آموزی، بیش از بیست نوع صنایع دستی به بچه ها آموزش داده می شود. صنایع دستی که برای آن ها بازار فروش خوبی هم وجود دارد. «نقاشی روی شیشه، سفالگری، عروسک سازی، سیاه قلم، گلدوزی، کار روی سفال، خیاطی و خیلی از مهارت ها را به بچه ها آموزش می دهیم. از تولیدات دستی بچه ها دو سال بازارچه ای با عنوان بازارچه جوانه در مؤسسه راه انداختیم که استقبال خیلی خوبی از آن شد. در صفحه اینستاگرام جوانه بازار هم کارهای بچه ها را برای فروش گذاشتیم که فروش خوبی داشت. حتی مشتریانی از اتریش، بلژیک، انگلیس و کانادا هم داشتیم که خریدها را برای آن ها ارسال کردیم. نکته مهم دیگری که در مباحث آموزشی بچه ها لحاظ شده است، زنگ های آموزش قرآن، صحیفه سجاده و نهج البلاغه است. هدف این است که در کنار دیگر آموزش ها آن ها با مباحث دینی آشنا شوند و منابع مذهبی را بشناسند. کلاس ش. ب. ب که کلاس شناخت بهترین ها و بدترین ها برای بچه های مقطع ابتدایی است هم در دوره های آموزشی داریم. بچه ها در این کلاس ها با نقاشی و قصه گوئی، آداب زندگی و سیره اهل بیت (ع) آشنا می شوند.»

بچه ها در اتفاقات و مهاجرت ها هیچ نقشی ندارند و تقصیری متوجه آن ها نیست. بعد از پناهندگی سزاوار نیست که از تحصیل جا بمانند و به خاطر این جاماندگی و بی سوادی مجبور شوند در آینده به هر کاری تن دهند.

